

Abstract

The purpose of this study is a sociological analysis of the role of responsibility of Ahwaz citizens in political participation. The hypotheses are based on a theoretical framework. The research method is survey. The statistical population of the study is all male and female citizens over 25 years of age living in Ahvaz. The latest census conducted in 2016 in Ahvaz shows that this city is estimated to have a population of 876,000 people. Cochran is selected as the sample. The sampling method in this study was multi-stage clustering. The data collection tool is a researcher-made questionnaire. The hypotheses were analyzed by SPSS software. The results showed 1) there is a relationship between the level of individual responsibility and political participation. 2) there is a relationship between the level of social responsibility and political participation. 3) between the level of cultural responsibility And there is a relationship between political participation. 4) There is a relationship between the level of economic responsibility and political participation. 5) There is a relationship between the level of environmental

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره یازدهم، بهمن ۱۴۰۱، صص ۶۱۹۷-۶۱۷۸

تحلیل جامعه شناختی نقش مسئولیت پذیری شهروندان اهواز در مشارکت سیاسی

مهران کریمیان^۱

مهدی ادیبی سده^۲

نبی اله ایدر^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳

چکیده

هدف از تحقیق حاضر تحلیل جامعه شناختی نقش مسئولیت پذیری شهروندان اهواز در مشارکت پذیری می باشد. فرضیات براساس چارچوب نظری تدوین گشته می باشد. روش تحقیق پیمایشی می باشد. جامعه آماری مورد مطالعه تمام شهروندان زن و مرد بالای ۲۵ سال ساکن شهر اهواز می باشد. آخرین سرشماری انجام گرفته در سال ۱۳۹۵ شهر اهواز نشان می دهد که این شهر جمعیتی معادل ۸۷۶۰۰۰ نفر برآورد می شود. از این تعداد ۳۸۴ نفر بر اساس فرمول نمونه گیری کوکران به منزله نمونه انتخاب می شود. روش نمونه گیری در این تحقیق خوشه ای چند مرحله ای بود. نتایج نشان داد (۱) بین میزان مسئولیت پذیری فردی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد. (۲) بین میزان مسئولیت پذیری اجتماعی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد. (۳) بین میزان مسئولیت پذیری فرهنگی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد. (۴) بین میزان مسئولیت پذیری اقتصادی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد. (۵) بین میزان مسئولیت پذیری زیست محیطی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

واژگان کلیدی؛ جامعه شناختی مسئولیت پذیری، شهروندان اهواز، مشارکت پذیری

^۱ دانشجوی دکتری، گروه جامعه شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر، ایران @gmail.com

^۲ استادیار، گروه جامعه شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر، ایران (نویسنده مسئول) @yahoo.com

^۳ استادیار، گروه جامعه شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر، ایران ider6@yahoo.com

مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی، یکی از مباحث مهم علوم سیاسی می باشد. این مشارکت در درجه ی اول از طبع اجتماعی انسان ریشه می گیرد. مشارکت در امور اجتماعی، نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی می باشد که همه ی افراد انسانی ناگزیر به پذیرش آن هستند. این تعهد و مسئولیت ممکن می باشد یا در قالب فعالیت های معین صورت گیرد، مانند بسیاری از رفتارهای اخلاقی و اجتماعی، و یا ساختار حقوقی و اقتصادی به خود بگیرد.

اسلام، به دلیل ضرورت و اهمیت مشارکت، انسان ها در تعیین سرنوشت خود به آن توجه خاصی نموده می باشد.

علی (علیه السلام) خطاب به مردم مصر می فرماید:

ای مردم مصر، نگویید ما سرپرستی چون مالک و امامی چون علی داریم؛ اگر در صحنه حاضر نباشید، شکست می خورید. ما در حال نبرد و جنگ با باطل هستیم؛ جامعه ای که در خواب باشد، دشمن بیدارش او را رها نمی کند.

چگونگی ایجاد توسعه و پیشرفت، یکی از سوالهای اساسی و مهم در ایجاد دگرگونی و تحول تکاملی جوامع بوده و در این رمی باشد؛ همواره بر نقش افراد جامعه در جهت نیل به این هدف تاکید می گردد. افراد هر جامعه پیچ و مهره های ماشین اجتماع اند که اگر هر کدام در چارچوب خود و بر اساس نقش محول یا محقق کار کنند، چرخ جامعه به بهترین شکل می گردد. از مهمترین ویژگی های افراد یک جامعه، که به ارتقای آن جامعه کمک می کند مسئولیت پذیری و مشارکت اعضای آن می باشد. انسان به عنوان یک موجود اجتماعی باید برای حفظ تعلق خود به جامعه، با توجه به پیامدهای اعمال و رفتار خود تکالیف مربوط به نقش های اجتماعی خویش را به گونه ای انجام دهد تا زندگی ثمر بخشی را برای خود و دیگران به همراه داشته باشد. مسئولیت پذیری و مشارکت افراد در هر جامعه، یکی از ارزش های آن جامعه و از مولفه های مهم توسعه جامعه محسوب می شود. (رمضانی و دیسفانی، ۱۳۸۰).

مسئولیت پذیری هماهنگی با قوانین اجتماعی و برآورده ساختن انتظاراتی می باشد که جامعه از فرد دارد. تحقیقات

امروزه مشارکت پذیری به عنوان مهمترین مولفه توسعه پایدار ملت ها به امری گریز ناپذیر تبدیل می گردد. این امر در کشورهای متروپل سوم که گذار از سنت به مدرنیته را تجربه می کنند به شکلی حسمی باشد خود را نشان می دهد. دولت ها نیز ناچارند برای کسب مشروعیت به مشارکت پذیری تن در دهند.

در روند تحول در الگوهای زندگی، پدیده «مشارکت پذیری» به معنای «فرصت های پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی» (آبرامسون، ۱۳۹۳: ۱۲۴۱) و به عنوان نقطه تلاقی ساختار فرهنگی و سیاسی در هر جامعه ای می باشد. در حقیقت اندیشه مشارکت پذیری عبارت می باشد به درگیر شدن توده های مردم در فعالیت سیاسی و تعیین سرنوشت خود و تنها از این رهگذر می باشد که زمینه های ثابت و پایداری نظام سیاسی تحقق می یابد.

مشارکت پذیری می تواند در دو سطح توده (مانند شرکت در انتخابات، عضویت در احزاب و انجمن ها و تجربه های اجتماعی) و نخبگان (حضور در مجلس، قوه مجریه و داشتن مناصب عالی (کاظمی پور، ۱۳۹۳: ۲۱۷) معنا یابد؛ ولی در هر صورت، در بین اقشار مردم مطرح بوده می باشد. هر جامعه ای برای تحقق اهداف توسعه گرایانه، بایستی از تمامی منابع انسانی خود بهره گیرد. زنان هر جامعه، نیروی محوری و بنیادی محسوب می شوند که اشتغال و فعالیت آنان دوشادوش مردان به عنوان بخشی از جمعیت فعال جامعه، تأثیر فراوانی در رشد، توسعه و سازندگی جامعه دارد؛ ولی هنگامی که حضور زنان در فرآیند مشارکت پذیری به گونه ای می باشد که همانند رأی دهندگان سربه راه، تنها در روز رأی گیری پای صندوق ها حضور پیدا می کنند (حافظیان، ۱۳۹۱) این امر، سبب ایجاد یک بحران یا آسیب اجتماعی در جامعه می گردد.

بیان مسئله

تسامح و تساهل گردیده و در نتیجه به توسعه نهاد های مدنی و دموکراتیک خواهد انجامید. بی تردید یکی از مهمترین و موثرترین عوامل برقراری وفاق، اقتدار و ارتقاء ضریب امنیت در جامعه، مشارکت و مسئولیت پذیری افراد جامعه می باشد. بی تردید مسئولیت پذیری و مشارکت مردم به مثابه موثرترین و مناسب ترین پشتوانه جهت حل و فصل معضلات و بحران های سیاسی - اجتماعی و امنیتی می باشد و هر دولتی که بتواند جلوه های بیشتری از همکاری و همدلی توده های مردمی را در ابعاد مختلف سیاسی اجتماعی داشته باشد موفق تر خواهد بود. (شعبانی، ۱۳۸۰) افزایش مسئولیت پذیری و نقش آن در مشارکت پذیری و تحلیل جامعه شناختی آن یکی از مسائل مهمی می باشد که نیاز می باشد در شهر اهواز مورد بررسی علمی قرار گیرد.

تحقیقات انجام شده نشان می دهد که افراد هر چه بیشتر خود را مسئول بدانند، به مسائل و پیامدهای اعمال خود بیشتر توجه کرده، آنها را جدی تر می گیرند و برای حل آنها بیشتر می کوشند. (منزیس و همکاران، ۲۰۰۰)

اهمیت و ضرورت مقوله «مسئولیت پذیری» و «مشارکت» در زندگی انسان تا آن حد می باشد که در اصول بیش تر مکاتب فلسفی، از آن یاد شده و همین مسئله می باشد که ضرورت انجام پژوهش هایی از این دست را به پژوهشگران گوشزد می کند.

شاید بتوان گفت آنچه به نوعی در افزایش مشارکت شهروندان موثر می باشد داشتن پیوندهای گروهی مختلف، اتصال به جامعه بزرگتر و احساس مسئولیت نسبت به جامعه می باشد که به نوبه خود باعث ایجاد علاقه، تعلق و تعهد نسبت به جنبه های مختلف حیات جمعی و مشارکت بیشتر افراد در امور جامعه می گردد. (نوذری، ۱۳۸۱)

سوالات

۱- آیا بین مسئولیت پذیری فردی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد؟

انجام شده نشان می دهد که رعایت مسئولیت پذیری و مشارکت افراد در هر جامعه موجب تنظیم روابط اجتماعی و انسانی و افزایش همدلی می شود (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۶) با تقویت مسئولیت پذیری افراد، می توان بسیاری از انحرافات اجتماعی مانند بزهکاری، جرائم و مشکلات رفتاری در جامعه را کاهش داد. (لیونز، ۲۰۰۵، حریری، ۱۳۹۶).

در برنامه های توسعه و نوسازی ایران توجه زیادی به مشارکت شهروندان و ایجاد سازوکارهایی جهت واگذاری برخی اختیارات و تصمیم گیری ها و اجرای آنها توسط مردم نمی گردد. همچنین بی ثباتی ها و ناامنی اجتماعی و تسلط حوزه دولتی بر بخش خصوصی زیست متروپل افراد را با مشکلات زیاد مواجه کرده و نگرش های فرد گرا مجال ظهور یافته می باشد. در نتیجه آنچه اهمیت زیاد پیدا کرده حفظ حوزه خصوصی و منافع فردی می باشد، حال آنکه اصل اساسی جوامع کنونی مشارکت مردم و حضور موثر آنان در عرصه عمومی می باشد (منطقی، ۱۳۸۲). سوال اصلی پژوهش اینست که آیا مسئولیت پذیری در مشارکت پذیری موثر می باشد؟

اهمیت و پیشینه موضوع:

برای تقویت و گسترش امر مشارکت مردم در جامعه به عنوان یک اصل حیاتی، شناخت عوامل موثر بر این امر ضروری می باشد. با پذیرش نقش مردم در اداره جامعه در دهه های اخیر این مسئله به عنوان یک فرآیند اجتماعی به یکی از دغدغه های اصلی برنامه ریزان کشور در آمد، به طوری که حرکت به سوی برنامه ریزی دموکراتیک و مشارکتی و بالا بردن مسئولیت پذیری آغاز گردید و مدیریت کلان جامعه به سمت توجه و پذیرش این فرآیند گام برداشت.

مسئولیت پذیری و مشارکت پذیری و اجتماعی عامل مهمی در تقویت همبستگی شهروندان در شبکه های اجتماعی می باشد. حضور افراد در فعالیت ها و تصمیم گیری های سیاسی و اجتماعی در بلند مدت موجب تعمیق روابط بین اعضای جامعه، افزایش احساس یگانگی، سعه صدر،

۲- آیا بین مسئولیت پذیری اجتماعی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد؟

۳- آیا بین مسئولیت پذیری فرهنگی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد؟

۴- آیا بین مسئولیت پذیری اقتصادی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد؟

۵- آیا بین مسئولیت پذیری زیست محیطی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

۱- بین میزان مسئولیت پذیری فردی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

۲- بین میزان مسئولیت پذیری اجتماعی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

۳- بین میزان مسئولیت پذیری فرهنگی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

۴- بین میزان مسئولیت پذیری اقتصادی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

۵- بین میزان مسئولیت پذیری زیست محیطی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

تعریف مسئولیت پذیری:

الف) تعریف مفهومی: مرگلو و همکاران (۲۰۰۷) مسولیت پذیری را توانایی نظم دادن به تفکرات، احساسات و رفتار، همراه با اراده برای در نظر گرفتن خود به عنوان مسئول انتخابهایی که انجام می دهند و پیامدهای فردی و اجتماعی آنها.

ب) تعریف عملیاتی: طالب زاده و همکاران (۱۳۸۷) در تعریف عملیاتی خود از مسولیت پذیری آنرا شامل مواردی همچون مراقبت از خود و محیط، پذیرش نتیجه عمل، رعایت مقررات، انجام تکالیف و وظیفه محوله می دانند از نظر آنها مهارت مسولیت پذیری مستلزم همکاری با افرادی باشد و این همکاری زمانی موفقیت آمیزی باشد که در آن همدلی وجود داشته باشد.

۲- تعریف مسئولیت پذیری فردی:

الف) تعریف مفهومی: مرگلو (۲۰۰۷) مسولیت پذیری فردی به این معنی باشد که فرد خود را نسبت به خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته و همچنین نیازها و بهروزی دیگران مسئول بداند.

ب) تعریف عملیاتی: تعدادی گویه برای جمع آوری داده جهت سنجش این مولفه تدوین گردیده می باشد

۳- تعریف مسئولیت پذیری اجتماعی

الف) تعریف مفهومی: نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت های گوناگون به دلیل تقید به دیگران می باشد. نوعی احساس تعهد و پابندی به دیگران، تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قواعد گروهی که در ذهن فرد شکل گرفته می باشد و بر رفتارهای او اثر میگذارد (سبحان نژاد، ۱۳۷۹).

ب) تعریف عملیاتی: تعدادی گویه برای جمع آوری داده جهت سنجش این مولفه تدوین گردیده می باشد

مشارکت سیاسی

تعریف مفهومی: لستر میل براث، مشارکت پذیری را مجموعه ای از کارها و فعالیت مردم برای اعمال نفوذ بر دولت و حمایت از نظام سیاسی می داند. در این تعریف، حیطه عمل مردم در امر مشارکت پذیری شامل: اعمال فشار، رقابت و تاثیر گذاری از یک سو و حمایت و پشتیبانی از سوی دیگر می باشد (وثوقی، ۱۳۸۳).

تعریف عملیاتی: منظور از مشارکت پذیری هرگونه عمل ارادی و آگاهانه افراد، در جهت تاثیر گذاری بر سیمی باشد های عمومی جامعه نظیر: فعالیت در انتخابات، اعمال نفوذ، فعالیت های سازمانی و عضویت در گروه ها و احزاب، ایجاد رابطه فردی با مقامات قدرتمند، شرکت در مراسم، مجالس و راهپیمایی های سیاسی می باشد.

انتخابات:

انتخابات مجموعه عملیاتی می باشد که در جهت انتخاب رئیس جمهوران یا تعیین نمایندگان برای به دست گرفتن قدرت تدبیر می گردد «همان». از این منظر، انتخابات

۱- انفس وجود انتخابات و برگزاری متناوب و منظم و ادواری آن یکی از نشانه‌های بارز مشارکت‌پذیری و مردم‌سالاری می‌باشد بدین معنا که رای دهندگان به طور منظم و ادواری برای انتخاب نمایندگان سیاسی خود در انتخابات متعدد شرکت می‌کنند و آراء آنها همواره قدرت را به کسانی که برگزیده می‌شوند

● ویژگی‌های مشارکت

۱ (مشارکت مشروط به برابری انسان‌ها و منوط به آزادی آنهمی باشد. در یک نظام مشارکتی فرض بر این می‌باشد که مردم باید فرصت مناسب برای تأثیرگذاری بر سیمی باشد‌ها و به دست آوردن مشاغل عمومی را داشته باشند و دولت نیز باید امکان رقابت را بر اساس شایستگی افراد مهیا کند.

۲ (مشارکت حق مردم می‌باشد و بیش از هر چیز نیازمند اقدام آگاهانه آنهمی باشد. مشارکت امری تحمیلی یا دعوتی نیست بلکه نوعی توان بخشی به گروه‌های ضعیف توأم با مشکلات خود نقش داشته باشند، چنین مشکلاتی نه فرمایشی می‌باشد و نه وضع کردنی بلکه باید آن را به دست آورد، یعنی امتیازی نیست که حکومت به اتباع خویش می‌دهد. بلکه حقی می‌باشد که باید از آن می‌باشدفاده کند.

۳ (مشارکت یک فرآیند می‌باشد با محصول ثابت و نهایی توسعه.

۴ (مشارکت فعالیتی کمی و کیفی و دارای درجاتی می‌باشد. لذا گسترده و ژرفای آن متغیر و در عین حال مهم می‌باشد، وسعت مشارکت بدون عمق کافی آن را سطحی و آسیب‌پذیر می‌گرداند و عمق بدون وسعت مشارکت نمی‌شود.

۵ ((مشارکت دارای پیامدهای دو سویه می‌باشد و چنانچه بنا باشد مؤثر واقع گردد، مستلزم تغییراتی بنیانی در اندیشه و عمل می‌باشد که باید از درون جامعه بجوشد و در قالب

ابزاری می‌باشد اراده جامعه را در انتخاب نهادهای سیاسی و تعیین متصدی اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد.

رای دهنده ضمن رای دادن که عملی حقوقی-سیاسی محسوب می‌شود در حقیقت با برگزیدن نماینده و یا نمایندگان در اداره امور سیاسی جامعه خود مشارکت می‌کند. در واقع از طریق انتخابات می‌باشد که اعضای جامعه به صورت مستقیم و غیر مستقیم در شکل دادن به سیمی باشد عمومی دخالت می‌نمایند. (مولایی، ۱۳۹۵)

انتخابات و فضای محیط بر آن متشکل از اجزای زیر می‌باشد:

۱- برگزار کنندگان (دولت، احزاب و گروه‌هایی که نامزدها به آنان وابسته اند)؛

۲- انتخاب شوندگان (نامزدهای انتخاباتی که احیانا وابستگی گروهی دارند و در کنار ویژگی‌های شخصی ممکن می‌باشد سوابق مدیریتی و خدمتی هم داشته باشند)؛

۳- انتخاب کنندگان (کسانی که برای واگذاری قدرت و انتقال آن به نامزدهای انتخاباتی وارد عرصه انتخابات می‌شوند) واجد شرایط رای دادن هستند که ممکن می‌باشد وابستگی جزئی یا گرایشی نیست به احزاب و گروه‌ها یا نامزدها داشته باشند و برپایه این گرایش و میزان اطلاعاتی که از موضوع‌های سیاسی دارند، دست به انتخابات بزنند؛

۴- نظام‌های انتخاباتی (متشکل از قوانینی که هر کشور برای برگزاری انتخابات وضع کرده و می‌تواند شامل سن واجدان حق رای دادن یا نحوه گزینش نامزدها برای ورود به عرصه انتخابات باشد)؛

۵- فضای حاکم بر جامعه (موضوع‌های سیاسی و فضای فرهنگی-اجتماعی حاکم در زمان انتخابات). در واقع بررسی انتخابات و مشارکت انتخاباتی به خوبی چگونگی رابطه متقابل جامعه و دولت را به نمایش می‌گذارد. (عیوضی، ۳۳: ۱۳۹۵-۳۴)

در تبیین مشارکت عمومی و کارکردهای ویژه انتخابات می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

نظریه پرداز	نظریه ی
پیازه	شناختی رشد
کارل مارکس	نظریه طبقاتی - اقتصادی
مارتین لیپست	عوامل اجتماعی - اقتصادی
رابرت دال	انگیزشی
دانیل لرنر	ویژگی های فردی
رونالد اینگلهارت	سطوح ارزشی
دال	اثر بخشی سیاسی

های پایدار و مقبول جامعه و دولت تبلور یابد. ایده های مربوط به مشارکت یک نقطه مشترک دارد.

● دولت و مشارکت

بعضی معقدند مدیریت و مباشرت دولت در امور لازم می باشد و مردم از هر قشری می توانند دولت را در انجام وظایف خود، یاری و کمک نمایند و صرف نظر از در نظر گرفتن منافع قشر خاص، مردم می توانند داوطلبانه امکانات و نیروی انسانی خود را در اختیار دولت، جهت انجام وظایف خود بگذارند: این روش به خصوص در کارهای عمرانی به طرق گوناگون انجام می شود که مردم از طریق :

-خودیاری

-پرداخت بخشی از هزینه های طرح

-کارهای یدی

به دولت در انجام امور کمک می کنند و یا این که در اداره مدارس مردم در حد توانشان، خودیاری می دهند. این گونه یاری و کمک نیز خود جلوه ای از مشارکت مردم می باشد .

بعضی دیگر معتقدند، مشارکت یعنی مدیریت دولتی و می باشدفاده از کمک مردم می باشد . حال آن که مشارکت از نظر بعضی دیگر واگذاری کارها به مردم و نظارت دولت می باشد . یکی از مهم ترین و با ارزش ترین جنبه های مشارکت این می باشد که علاوه بر تشویق به حداکثر تلاش

و کوشش، نیروی ابتکار، خلاقیت و سازندگی افراد را نیز شکوفا می کند. شوق به انجام کار گروهی و مسؤولانه، افراد را وادار می کند که برای هر مشکلی، بهترین و عملی ترین راه حل ها را پیدا کنند و در شرایط خاص مدیریت را دوست و همفکر و همکار صمیمی گروه به حساب آورند و دوشادوش او فعالانه تلاش و همکاری کنند.

نظریه ها

خلاصه و جمع بندی نظریات ارائه شده

با مروری بر دیدگاه ها و نظریه های پیشین ملاحظه گردید که موضوع مشارکت سیاسی را می توان از منظر و دیدگاه های متفاوتی نگریست. و نیز با دیدگاهها و پارادایم های متفاوتی می توان آنرا مورد بررسی قرار داد. ، لذا در تتبع پیرامون این موضوع با دیدگاههای متنوع و متفاوت و بعضا متناقضی مواجه می شویم که هر یک از آنها از منظر و نگاه حوزه تخصصی خود این موضوع را مورد بررسی قرار داده اند . با توجه به همه موارد بالا ، و اینکه جمع بندی میان همه این دیدگاههای نظری که بعضا مبنای مشترکی ندارند، کاری ناصواب می باشد، و نمی توان به یک جمع بندی واحد و موجز رسید. مایکل راش، هم رأی با این نظر می گوید؛ دلایل فراوانی برای موافقت با این نظر داوز و هیوز وجود دارد که «نظریه نظام یافته ای در باره متغیرهای اجتماعی، روانی و سیاسی مشارکت وجود ندارد» (راش، ۱۳۹۱: ۱۴۳) . بنا بر این در اینجا مجددا مروری مختصر به نظرات آن دسته از صاحب نظرانی خواهیم داشت که قرابت بیشتری با موضوع مشارکت سیاسی دارند، و در واقع هریک از آنها ابعاد و زوایائی از پدیده مشارکت سیاسی را توضیح می دهند تا بر اساس آن بتوان هم از نگاه تک بعدی و نارسا بودن که در بعضی از نظریه های قبل ملاحظه می باشد، پرهیز کرد، و هم با توانمند سازی نظریه های مورد نظر (که با موضوع تحقیق سازگاری بیشتری دارند) در قالب ساختاری چند وجهی که حاصل تلفیق نظریه های گوناگون می باشد به یک دیدگاه نظری منسجم دست یافت. بنا بر این همانگونه که در چارچوب نظری به صورت مبسوط خواهد آمد از میان دیدگاه های نظری

مشارکت و بویژه مشارکت سیاسی بیشتر خواهد شد. اینگلهارت مشارکت سیاسی راتابعی از ارزشهای اجتماعی نزد افراد می‌داند. به اینصورت که ارزش‌ها بعنوان شکل دهنده پیام‌های نظام رفتاری افراد دارای بیشترین تأثیر در کنش‌های آنها بوده و در بعد فردی و روانی، مهمترین منبع برای جهت‌گیری درک و شناخت از خود و در بعد اجتماعی مجموعه‌ای از عقاید و نگرش‌هایی را فراهم می‌سازد که فرد در فرآیند جامعه‌پذیری آنها را کسب می‌کند. و خود را با قواعد و هنجارهای جامعه هماهنگ میکند. معمولاً نوع ارزشهای اجتماعی موثر در نزد افراد تابعی از پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد می‌باشد. بنابراین، اقشار مرفه‌تر تمایل به گروه‌های سیاسی دارای اهداف فرهنگی، و اقشار کم‌درآمد و طبقات پایین تمایل به گروه‌های سیاسی دارای اهداف اقتصادی دارند، بنا بر این گرایش به مشارکت سیاسی در صبقات بالا یا پایین جامعه به اهداف اقتصادی یا فرهنگی گروه‌های سیاسی ارتباط دارد.

رابرت دال در مواجهه با موضوع مشارکت سیاسی عمدتاً به کنش معطوف به هدف و معادله هزینه-فایده از دید کنشگران می‌نگرد. و اینکه آیا مشارکت سیاسی کنشگران مقرون به فایده می‌باشد یا خیر؟ و یا کنش آنها تأثیری در نتیجه مشارکت خواهد داشت یا نه؟ بنابراین پنداشت از نتیجه این کنش، حجم و سمت و سوی مشارکت را تعیین می‌کند.

با توجه به نظریات ارائه شده و جمع‌بندی آنها به نظر می‌آید مسئله مشارکت سیاسی در ایران را نمی‌توان با هیچیک از این نظریه‌ها به تنهایی مورد بررسی قرار داد. زیرا هر یک از این نظریه‌ها، بُعد و یا منظر خاصی از عوامل موثر بر مشارکت را مد نظر قرار داده‌اند. در حالیکه از منظر تئوریک، مشارکت سیاسی در ایران دارای ابعاد متعددی می‌باشد که بعضی از نظریه‌های پیرامون مشارکت سیاسی حد اکثر بعدی از ابعاد آنرا توضیح دهند. بنا بر این باید بدنبال ارائه نظریه‌ای جدید و یا تلفیقی از ابعاد این نظریه‌ها بود تا توانائی و توضیح مسئله مورد نظر (میزان مشارکت سیاسی دانشجویان) را داشته باشد.

مطروح در اینجا نظریه صاحب‌نظرانی انتخاب می‌گردد که هر یک بعد یا ابعادی از پدیده شرکت سیاسی (نخبگان) را بیشتر مد نظر قرار داده و یا برجسته کرده‌اند.

از صاحب‌نظرانی که در این زمینه مطالب برجسته و قابل تامل بیشتری در مورد مشارکت سیاسی (متغیر وابسته) ارائه داده‌اند با افرادی چون: هانتینگتون، لیپست، لرنر، اینگلهارت، رابرت دال و پاتنام مواجه می‌شویم که بنظر می‌رسد هر یک از آنها ابعادی از مشارکت سیاسی را توضیح داده‌اند. در اینجا به اختصار و موجز به نقطه نظرات تاکیدی و کلیدی هر یک از آنها اشاره خواهد شد.

از نظر هانتینگتون توسعه اقتصادی در هرکشوری عامل مسلط در رشد و توسعه سیاسی می‌گردد. از نظر ایشان توسعه اقتصادی منجر به افزایش منزلت اجتماعی برای شهروندان می‌گردد. و همین عامل احساس توانمندی و بویژه موثر بودن از نظر سیاسی را برای افراد بدنبال خواهد داشت. و احساس توانمندی، موجب افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی می‌گردد. از نظر هانتینگتون مولفه این وضعیت در سطح فردی افزایش تحرک اجتماعی و آگاهی سیاسی بیشتر می‌باشد. از نظر هانتینگتون تحرک اجتماعی باعث افزایش مشارکت سیاسی می‌گردد. لیپست کنش سیاسی کنشگران را در عرصه مشارکت سیاسی تابعی از منافع کنشگران و حضور و فعالیت نهادها و احزاب سیاسی و دسته‌بندی آنها می‌داند. بنظر لیپست، در جامعه‌ای که دسته‌بندی‌های سیاسی بیشتر و شفاف‌تر باشد، اهداف و برنامه‌های آنها مشخص‌تر باشد، مشارکت‌کنندگان جریان‌های سیاسی را بهتر درک می‌کنند، و در نتیجه تکلیف خود را بهتر می‌دانند. در این صورت حجم مشارکت سیاسی بیشتر خواهد بود.

لرنر سطح مشارکت را بطور عام و مشارکت سیاسی را بطور خاص تابع ویژگی‌های فردی مانند سطح سواد، امکان دسترسی به رسانه‌ها و نرخ شهرنشینی می‌داند. از نظر ایشان ویژگی‌های فردی تابعی می‌باشد از نوسازی و رشد فرهنگی در هر جامعه، و اینکه هر چه مسیر جامعه از شکل سنتی بطرف جامعه مدرن طی شده باشد زمینه

پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی

داداشی وکلایی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان تبیین اصول و روش های مسئولیت پذیری از دیدگاه اسلام و دلالت های تربیتی آن به این نتیجه دست یافتند که مسئولیت پذیری را می توان در دو بعد فردی و اجتماعی ملاحظه کرد، و اصول و روش های تربیتی در چهار عنوان مسئولیت در برابر خداوند، مسئولیت در برابر خود، مسئولیت در برابر اجتماع و مسئولیت در برابر محیط زیست می باشد نتایج گردید. نتیجه اینکه ایمان به خدا و انجام اعمال مذهبی در افزایش مسئولیت پذیری جوانان نقش بسزایی دارد که می توان با تاکید بر آموزه های دینی و مذهبی در سطح خانواده، مدرسه و دانشگاه به حفظ سلامت فردی و اجتماعی کمک نماید.

حاجی زاده و آورجه (۱۳۹۳) در مطالعه ای تحت عنوان "مسئولیت پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در میزان" به این نتیجه رسیدند که بررسی جایگاه مسئولیت پذیری در قرآن مبین آن می باشد که قرآن، انسان را موجودی اجتماعی، در اجتماع و برای اجتماع می داند و انسان را نسبت به برخی از مسائل مسئول دانسته و رفتار مسئولانه را از مولفه های انسان سالم می داند. بنابراین مسئولیت پذیری که از زمینه های مهم مورد مطالعه جامعه شناسی می باشد. لذا طرح آن در قرآن به منزله اهمیتی می باشد که اسلام برای جامعه و زندگی اجتماعی قائل می باشد و ضرورت شناخت و بررسی علمی این پدیده، مطالعات اجتماعی و جامعه شناسی را در اسلام تایید می کند.

رستمیان (۱۳۹۳) در مقاله ای به بررسی مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی، از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت (علیم السلام) پرداخته و در نتایج خود چنین بیان می دارد که با بررسی رابطه مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی، ریشه مسئولیت پذیری را در امانت الهی یافتیم که جز انسان موجودی دیگری نتوانست آن را قبول کند. اما انسان در

صورتی می تواند مسئولیت پذیر باشد که با دو اصل تقوا و ایمان، زمینه های آن را فراهم کند و از راهکارهای تفکر و تفقه و بصیرت بهره برد.

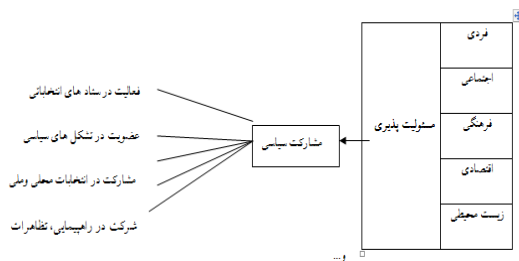
یزدان پناه و حکمت (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی عوامل موثر بر مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان دانشگاه کرمان پرداختند. نتایج تحقیق نشان می دهد که احساس عزت نفس، شیوه فرزند پروری منسجم، صمیمی و پاسخگو، اعتماد اجتماعی بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و نهادی و جنسیت و پایگاه اقتصادی اجتماعی متغیر های تاثیر گذار بر مسئولیت پذیری اجتماعی هستند.

تحقیقات خارجی

الگوی مشارکت پذیری در مورد شرکت در انتخابات در کشورهای مختلف یکسان می باشد. مردان بیش از زنان، تحصیل کرده ها بیش از افراد کمتر آموزش دیده، شهرنشینان بیش از روستاییان، افراد میانسال بیش از جوانان و کهنسالان، متأهلین بیش از مجردین، افراد دارای منزلت بالا بیش از افراد دارای منزلت پایین و افرادی که عضو سازمان هستند، بیش از افرادی که عضویت ندارند، در انتخابات شرکت می کنند (لیپست، ۱۳۷۳: ۳۷۹-۴۱۸).

هدوا وینارسکی و کیدرون (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان مشارکت در رفتار سیاسی در مقامات محلی بیان داشتند این مطالعه بر روی راه هایی می باشد که یک محیط سیاسی درک شده بر تعامل با رفتار سیاسی در یک دوره انتخابات ملی تأثیر می گذارد. با می باشدفاده از نظریه شناختی اجتماعی به عنوان راهی برای پیش بینی رفتار در سازمان ها، ما بررسی کردیم که چگونه رفتار مدیران در رفتار سیاسی شکل می گیرد. یک روش تحقیق کیفی مورد می باشدفاده قرار گرفت. شانزده مصاحبه با مدیران در سال های انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ در مقامات مختلف محلی انجام شد. شرکت کنندگان در طی دوره پیش از انتخابات، شدت حال و هوای سیاسی را درک کردند، که به ارتباط قابل توجهی میان سیمی باشد های انتخاباتی و سازمان های داخلی منجر شد. علاوه بر این، یک جو

ماکس وبر: فرد و کنش او را به عنوان واحد اساسی تحلیل خود در نظر می‌گرفت (آرون، ۱۳۹۶) او در این رمی باشد از چهار نوع کنش سنتی، کنش عاطفی، کنش عقلانی معطوف به ارزش و کنش عقلانی معطوف به هدف، از نگاه وبر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را می‌توان به کنش عقلانی معطوف به ارزش نسبت داد. کنشی که بر اساس آن هنجار، اخلاق و نوع دوستی به عنوان یک ارزش برجسته می‌باشد از این روست که ماکس وبر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی



را مترادف با اخلاق مسئولیت می‌دانست و مهمترین خصلت آن را ارادی و آزاد بودن فرد عنوان کرد. (ترنوروجک، ۲۰۰۱)

وبر بر این اعتقاد بود که با روند بروکراتیزه شدن فرآیند امور عقلانی گشتن کنش‌ها، روحیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی که همان احساس مسئولیت نسبت به دیگران و توجه به خیر جمعی می‌باشد، تضعیف می‌گردد. این امر ضرورت توجه بیشتر به داشتن روحیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی را ایجاب می‌نماید. (کوزر، ۱۳۸۳)

تالکوت پارسونز، تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را از ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌دانست که تحت تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارد. وی مسئولیت‌پذیری افراد و نهادها را به منظور انتظام بخشیدن به نظام اجتماعی مهم می‌دید. پارسونز در کتاب نظام اجتماعی، نظم اجتماعی را به اجزاء خردتر تجزیه می‌کند. از نظر پارسونز، هر یک از این اجزاء در داد و ستد با اجزاء دیگر قرار دارند و در این میان ضمن رفع نیازهای یکدیگر، به رفع نیازهای کل نظام اجتماعی نیز کمک می‌کنند (پارسونز، ۱۹۵۱). پارسونز اظهار می‌دارد که در درون هر یک از خرده نظام و موقعیت‌ها، کنشگران در رفتار کنشگران اجتماعی در

سیاسی درک شده، درگیر شدن در طیف وسیعی از رفتارهای سیاسی در سراسر سازمان می‌باشد و با نقش اداری مرتبط می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مدیران از "سرمایه سیاسی" می‌باشدفاده می‌کنند که در دوره انتخابات برای تأثیرگذاری و دستکاری در آینده‌ی خود سازمان و خودشان تأثیر می‌گذارد.

پرترز و کیدرون (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان حال و هوای سیاسی: مشارکت در رفتار سیاسی در مقامات محلی بیان داشتند: این مطالعه بر روی راه‌هایی می‌باشد که یک محیط سیاسی درک شده بر تعامل با رفتار سیاسی در یک دوره انتخابات ملی تأثیر می‌گذارد. با می‌باشدفاده از نظریه شناختی اجتماعی به عنوان راهی برای پیش‌بینی رفتار در سازمان‌ها، ما بررسی می‌کنیم که چگونه رفتار مدیران در رفتار سیاسی شکل می‌گیرد. یک روش تحقیق کیفی مورد می‌باشدفاده قرار گرفت. شانزده مصاحبه با مدیران در سال‌های انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ در مقامات مختلف محلی انجام شد. علاوه بر این، یک جو سیاسی درک شده، درگیر شدن در طیف وسیعی از رفتارهای سیاسی در سراسر سازمان می‌باشد و با نقش اداری مرتبط می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مدیران از "سرمایه سیاسی" می‌باشدفاده می‌کنند که دوره انتخابات برای تأثیرگذاری و دستکاری در آینده‌ی سازمان و خودشان تأثیر می‌گذارد.

چارچوب نظری:

میلر: در کتاب "کنش اجتماعی" از دو نوع کنش فردی و اجتماعی یاد کرده و اظهار می‌دارد که مسئولیت‌پذیری و اخلاق لازمه کنش جمعی می‌باشد. وی ضمن اشاره به سه نوع مسئولیت یعنی مسئولیت طبیعی، مسئولیت مبتنی بر نقش و مسئولیت اخلاقی، توجه به حقوق را اصلی‌ترین عنصر آنها می‌داند. به زعم میلر، عامل وابستگی افراد به یکدیگر و درگیری آنها در امور گوناگون جامعه، عامل مسئولیت اجتماعی می‌باشد. (میلر، ۲۰۰۷).

قالب این موقعیت های اجتماع جامعه ای، جایی که عرصه تعاملات و کنش های اجتماعی می باشد، قابل بررسی می باشد (توسلی، ۱۳۸۵ و کراب، ۱۳۸۹ و چلبی، ۱۳۸۹)

روش تحقیق

روش تحقیق به موضوع، امکانات و اهداف تحقیق بستگی دارد. روش های تحقیق متعدد و متفاوتند و در کتب گوناگون تقسیم بندی های متفاوتی از آنها ارائه می گردد. از بین روش های تعریف شده از طرف صاحب نظران علوم اجتماعی، روش تحقیق حاضر از نوع پیمایشی دانست.

متغیرهای مورد بررسی در قالب یک مدل مفهومی و شرح چگونگی بررسی و اندازه گیری متغیرها:

روش گردآوری داده ها:

روش تحقیق کمی از نوع پیمایش و ابزار آن پرسشنامه می باشد. در بخش کلی اقدام به تهیه پرسشنامه خواهد شد که بر اساس روش های مشخص در میان شهروندان اهواز توزیع و نتایج آن برای تحلیل جمع آوری خواهد شد.

جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه

جامعه آماری مورد مطالعه تمام شهروندان زن و مرد بالای ۲۵ سال ساکن شهر اهواز می باشد. آخرین سرشماری انجام گرفته در سال ۱۳۹۵ شهر اهواز نشان می دهد که این شهر جمعیتی معادل ۸۷۶۰۰۰ نفر برآورد می شود. از این تعداد ۳۸۴ نفر بر اساس فرمول نمونه گیری کوکران به منزله نمونه انتخاب می شود.

$$n \geq (N \cdot z^2 \cdot \alpha / 2 \cdot p(1-p)) / (\epsilon^2 \cdot (N-1) + z\alpha / 2 \cdot p(1-p)) = 384$$

که در این تحقیق Z توزیع می باشد انداز می باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر با ۱/۹۶ می باشد. N حجم جامعه مورد بررسی، P و q از روش احتیاطی برابر ۵۰ درصد و ضریب خطا (ϵ) برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته می شود. در نتیجه محاسبه فوق، حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شد.

شیوه نمونه گیری

نمونه گیری، یعنی انتخاب تعدادی از افراد، حوادث، و اشیاء، از یک جامعه تعریف شده به عنوان نماینده آن جامعه (دلاور، ۱۳۸۴: ۱۲۰). منظور از حجم نمونه تعداد کل عناصر انتخاب شده از جامعه آماری مورد مطالعه می باشد. در مقابل، حجم جمعیت آماری مجموعه عناصر موجود در جامعه آماری می باشد که مبنای محاسبه در نمونه گیری محسوب می شود (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۱۵۷). در بسیاری از تحقیقات انسانی و اجتماعی محقق بدنبال آن می باشد تا نمونه تحقیقی مورد نظر را بگونه ای انتخاب کند که بتواند با اطمینان بالائی ویژگی های مورد نظر جامعه مورد مطالعه را در درختل نمونه انتخابی جستجو کند.

شیوه نمونه گیری در این تحقیق طبقه ای متناسب بوده می باشد. در نمونه گیری طبقه ای جمعیت به دو یا چند طبقه تقسیم می شود. اگر کسر نمونه ای یا نسبت انتخاب در داخل طبقات مساوی باشد، نمونه را طبقه ای و نسبی می خوانند. نمونه گیری طبقه ای نسبی در مقوله روش هایی می باشد که در آن احتمال انتخاب برای همه واحدهای جمعیت برابر می باشد (سرایبی، ۱۳۷۴: ۱۹).

نمونه گیری طبقه ای یا طبقه بندی شده، زمانی می باشد که جامعه، ناهمگن و نامتجانس باشد و محقق بخواهد گروه هایی مختلف در نمونه اش، حضور داشته باشند.

مراحل نمونه گیری طبقه ای متناسب بدین صورت می باشد که پس از گروه بندی اعضای جامعه آماری و مشخص نمودن حجم نمونه، به یکی از سه روش زیر نمونه گیری می شود.

الف) روش اول: حجم نمونه بطور مساوی بین گروه ها تقسیم می شود.

ب) روش دوم: روش اختصاص بهینه، در این روش سهم هر گروه با توجه به واریانس آن گروه تعیین می شود، حسن این روش این می باشد که واریانس در نمونه، کاهش پیدا می کند ولی مشکل این می باشد که از واریانس گروه ها، اطلاعات دقیقی در اختیار نیست.

۲) بین میزان مسئولیت پذیری اجتماعی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

میانگین	انحراف معیار	T	معناداری
۸۴.۹	۹.۶	۲.۵۴۰	۰.۰۱۲
۸۰.۲	۱۰.۷		
مشارکت			
پذیری			

این نتایج نشان می‌دهد بین گروه مسئولیت پذیری از نظر مشارکت پذیری اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت پذیری پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت پذیری و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

۳- بین میزان مسئولیت پذیری فرهنگی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

میانگین	انحراف معیار	T	معناداری
۶۰.۱	۹.۶	۲.۵۴۰	۰.۰۱۲
۷۷.۹	۱۰.۷		
مشارکت			
پذیری			

این نتایج نشان می‌دهد بین گروه مسئولیت پذیری از نظر مشارکت پذیری اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت پذیری پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت پذیری و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

۴) بین میزان مسئولیت پذیری اقتصادی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

میانگین	انحراف معیار	T	معناداری
۸۴.۶	۹.۶	۲.۵۴۰	۰.۰۱۲
۷۰.۳	۱۰.۷		
مشارکت			
پذیری			

این نتایج نشان می‌دهد بین گروه مسئولیت پذیری از نظر مشارکت پذیری اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر

ج) روش اختصاص متناسب، در این روش تعداد نمونه برای هر گروه بسته به نسبت آن گروه در جامعه آماری انتخاب می‌شود این روش سوم را نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب می‌نامند (افشانی، ۱۳۸۹).

علت می‌باشدفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، وجود واریانس زیاد صفت در میان مردم شهرستان بوده می‌باشد تا از این طریق، واریانس میانگین نمونه کاهش و دقت نمونه‌گیری افزایش یابد.

روش‌ها و ابزار تجزیه داده‌ها:

تحلیل داده‌ها در این تحقیق بر دو بخش می‌باشدوار می‌باشد؛ آمار توصیفی و می‌باشدنباطی آمار توصیفی که از طریق بدست آوردن فراوانی، میانگین، واریانس و انحراف معیار توصیف می‌شوند.

آمار می‌باشدنباطی که متغیرهای تحقیق برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از طریق روش معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این تحقیق در بخش آمار می‌باشدنباطی از آزمون مدل-سازی معادلات ساختاری جهت سنجش فرضیه‌های تحقیق می‌باشدفاده گردید. جهت انجام این منظور از نرم افزارهای Excel و Spss می‌باشدفاده گردید.

بررسی فرضیات تحقیق

۱) بین میزان مسئولیت پذیری فردی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

میانگین	انحراف معیار	T	معناداری
۷۹.۶	۹.۶	۲.۵۴۰	۰.۰۱۲
۷۵.۸	۱۰.۷		
مشارکت			
پذیری			

این نتایج نشان می‌دهد بین گروه مسئولیت پذیری از نظر مشارکت پذیری اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت پذیری پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت پذیری و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

مشارکت پذیری پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت پذیری و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد (۵) بین میزان مسئولیت پذیری زیست محیطی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

مشارکت پذیری	میانگین	انحراف معیار	T	معناداری
مشارکت	۸۰.۶	۹.۶	۲.۵۴۰	۰.۰۱۲
	۷۵.۱	۱۰.۷		

این نتایج نشان می‌دهد بین گروه مسئولیت پذیری از نظر مشارکت پذیری اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H₁ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت پذیری پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت پذیری و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد

نتیجه گیری

اهمیت و جایگاه رکنی و اساسی جمهوریت در نظام سیاسی ایران، سبب می‌گردد که مساله مشارکت عمومی مردم و حضور جریان‌ها و طیف‌های مختلف سیاسی در رخدادهای مهمی همچون مشارکت پذیری اهمیتی چشمگیر یابد.

بر همین اساس، مردم با حضور گسترده در انتخابات، می‌توانند دیدگاه خود را درباره تصمیم‌های مهمی که در کشور گرفته می‌شود ابراز کنند و در امور اجتماعی و سیاسی جامعه خود سهم شوند.

یکی از مولفه‌های مهم افزایش مشارکت سیاسی، توجه به اعتماد عمومی و سرمایه‌های اجتماعی می‌باشد. از این رو نظام‌های سیاسی بر پایه اعتماد عمومی و اراده مردم می‌باشد حکام می‌یابند و می‌باشد مرام و اقتدار آنها وابسته به مشارکت مردم می‌باشد. در واقع مشارکت شهروندان در رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد عمومی محقق می‌شود.

هر جا سطح اعتماد عمومی بالا باشد میزان مشارکت و همیاری مردم در عرصه‌های مختلف رشد می‌یابد. بنابر این نمی‌توان به نقش اعتماد عمومی، کم توجهی یا بی

توجهی کرد چرا که کاهش مشارکت را به همراه می‌آورد. همچنین هر چه مشارکت مردم در مشارکت پذیری گسترده باشد ثبات سیاسی نیز بیشتر خواهد شد.

مشارکت در مشارکت پذیری نشانگر رابطه‌ای همبسته میان مردم و حکومت می‌باشد. به عبارتی دقیق‌تر مشارکت، گویای اعتماد عمومی و مسئولیت پذیری سیاسی-اجتماعی می‌باشد. همین جامعه پذیری سیاسی نویدبخش مشارکت حداکثری می‌شود؛ افزایش مشارکتی که فضایی سرشار از همدلی و نشاط را به بار می‌آورد. به باور صاحب‌نظران، کاهش مشارکت به تضعیف تعهد اجتماعی و کم‌رنگ شدن هویت اجتماعی و ملی می‌انجامد.

یکی از ابزارهای مهم در جهت رسیدن به توسعه پایدار، مشارکت گسترده می‌باشد که اهمیت حضور مردم در فرایندهای سیاسی و تعیین سرنوشت آنان را به عنوان مصداقی از مشروعیت و تحکیم رکن جمهوریت نظام نشان می‌دهد.

بر این پایه، مشارکت پذیری به عنوان فرایند رقابت گروه‌ها با محترم شمردن سلیقه‌ها و دیدگاه‌های سیاسی مردم، آن‌ها را به حقوق سیاسی شان آگاه می‌سازد و باور شهروندان را در رعایت ارزش‌های مردمسالارانه تقویت می‌کند.

علاوه بر آنچه بیان شد، مشارکت گسترده مردم در مشارکت پذیری همراه با اثرگذاری‌هایی که در همبستگی اجتماعی و وفاق ملی دارد در زمینه بین‌المللی نیز می‌تواند تاثیر قابل توجهی داشته باشد زیرا می‌تواند به نوعی وزن کشور را در مناسبات بین‌المللی ارتقا بخشد و قدرت چانه زنی را بالا ببرد.

به عبارتی می‌توان گفت که حضور فراگیر و مشارکت حداکثری در انتخابات، کشور را در برابر آسیب‌ها و آفت‌های خارجی ایمن می‌کند و نوعی پادزهر در برابر صدمات به حساب می‌آید.

نتایج حاصل از فرضیات

این نتایج نشان می‌دهد بین گروه مسئولیت پذیری از نظر مشارکت پذیری اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت پذیری پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت پذیری و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

نتایج این فرضیه یا یافته‌های داداشی و کلایی (۱۳۹۵)، سبحانی نژاد و نجفی (۱۳۹۳)، حاجی زاده و آورجه (۱۳۹۳)، رستمیان (۱۳۹۳)، یزدان پناه و حکمت (۱۳۹۲)، مقدس جعفری و کریمی در سال ۱۳۹۲، طالبی و خوشبین (۱۳۹۱)، ایمان و جلائیان (۱۳۸۹)، جعفری (۱۳۸۹) و حسنی (۱۳۸۹) هدوا وینارسکی و کیدرون (۲۰۱۸)، پرتز و کیدرون (۲۰۱۸)، البانا (۲۰۱۸)، شوایت و همکاران (۲۰۰۵) و پژوهش می‌باشد.

بین میزان مسئولیت پذیری اقتصادی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

این نتایج نشان می‌دهد بین گروه مسئولیت پذیری از نظر مشارکت پذیری اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت پذیری پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت پذیری و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد. نتایج این فرضیه یا یافته‌های داداشی و کلایی (۱۳۹۵)، رستمیان (۱۳۹۳)، یزدان پناه و حکمت (۱۳۹۲)، مقدس جعفری و کریمی در سال ۱۳۹۲، طالبی و خوشبین (۱۳۹۱)، ایمان و جلائیان (۱۳۸۹)، جعفری (۱۳۸۹) و حسنی (۱۳۸۹)، پرتز و کیدرون (۲۰۱۸)، البانا (۲۰۱۸)، شوایت و همکاران (۲۰۰۵) و پژوهش گات و همکاران (۲۰۰۲) همرمی باشد می‌باشد.

بین میزان مسئولیت پذیری زیست محیطی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

بین میزان مسئولیت پذیری فردی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

این نتایج نشان می‌دهد بین گروه مسئولیت پذیری از نظر مشارکت پذیری اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت پذیری پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت پذیری و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد. نتایج این فرضیه یا یافته‌های داداشی و کلایی (۱۳۹۵)، سبحانی نژاد و نجفی (۱۳۹۳)، حاجی زاده و آورجه (۱۳۹۳)، رستمیان (۱۳۹۳)، یزدان پناه و حکمت (۱۳۹۲)، مقدس جعفری و کریمی در سال ۱۳۹۲، طالبی و خوشبین (۱۳۹۱)، ایمان و جلائیان (۱۳۸۹)، جعفری (۱۳۸۹) و حسنی (۱۳۸۹) می‌باشد.

بین میزان مسئولیت پذیری اجتماعی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

این نتایج نشان می‌دهد بین گروه مسئولیت پذیری از نظر مشارکت پذیری اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت پذیری پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت پذیری و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد. نتایج این فرضیه یا یافته‌های داداشی و کلایی (۱۳۹۵)، سبحانی نژاد و نجفی (۱۳۹۳)، حاجی زاده و آورجه (۱۳۹۳)، رستمیان (۱۳۹۳)، یزدان پناه و حکمت (۱۳۹۲)، مقدس جعفری و کریمی در سال ۱۳۹۲، طالبی و خوشبین (۱۳۹۱)، ایمان و جلائیان (۱۳۸۹)، جعفری (۱۳۸۹) و حسنی (۱۳۸۹) هدوا وینارسکی و کیدرون (۲۰۱۸)، پرتز و کیدرون (۲۰۱۸)، البانا (۲۰۱۸)، شوایت و همکاران (۲۰۰۵) همرمی باشد می‌باشد.

بین میزان مسئولیت پذیری فرهنگی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

این نتایج نشان می‌دهد بین گروه مسئولیت پذیری از نظر مشارکت پذیری اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت پذیری پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت پذیری و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد

نتایج این فرضیه یا یافته های داداشی وکلایی (۱۳۹۵)، سبحانی نژاد و نجفی (۱۳۹۳)، حاجی زاده و آورجه (۱۳۹۳)، رستمیان (۱۳۹۳)، یزدان پناه و حکمت (۱۳۹۲)، مقدس جعفری و کریمی در سال ۱۳۹۲، طالبی و خوشبین (۱۳۹۱)، ایمان و جلائیان (۱۳۸۹)، جعفری (۱۳۸۹) و حسنی (۱۳۸۹) هدوا وینارسکی و کیدرون (۲۰۱۸)، پرتز و کیدرون (۲۰۱۸)، البانا (۲۰۱۸)، شوایت و همکاران (۲۰۰۵) و پژوهش گات و همکاران (۲۰۰۲) هم‌مرمی باشد می‌باشد.

پیشنهادات

- پیشنهاد می‌شود تحقیقات پیرامون مشارکت سیاسی در موقع انتخابات و یا با فاصله کم از لحاظ زمانی پس از انتخابات از طریق شیوه‌های پیمایشی به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی و همچنین به وسیله تحقیقات افکارسنجی به بررسی رفتار انتخاباتی پرداخته شود.

- از آنجا که موضوع مشارکت سیاسی بصورت پیوستاری و در سطوح متعدد می‌باشد، لذا پیشنهاد می‌گردد که محققان به بررسی این موضوع در سطوح مختلف بپردازند.

- پیشنهاد می‌شود مراکز دانشگاهی به شیوه‌های نظرسنجی با رویکردی علمی توجه نشان دهند و مولفه‌های متعدد و مرتبط با انتخابات و مشارکت سیاسی را بررسی نمایند.

۱. Abramson, Paul (2004), Participation, translated by Nasrin Tabatabai, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. (in persian)
۲. Akhtarshahr, Ali (2007), Components of Political Socialization in Religious Government, Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought. (in persian)
۳. Obedience, Javad (1995), Electoral System and Political System, Study of Democratization Process in Iran, PhD Thesis, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. (in persian)
۴. Izadi, Samad and Ali Aghamohammadi (2007). Citizenship Education, Human Rights and Social Responsibility in the Education System, Press and Publishing Center Publication, First Edition. (in persian)
۵. Izadi, Samad and Azizi Shamami, Mostafa (2009). The need for students to have citizenship knowledge and social responsibility in the process of metropolitanization, Curriculum Studies Quarterly, Fourth Year, No. 15. (in persian)
۶. Barbalt, GM, Citizenship Rights, translated by Javad Kargarazi (2004). Journal of Constitutional Rights, Second Year, Second Issue. (in persian)
۷. Bavar, Yousef (1374), The effect of socio-economic status of Shiraz University students on their attitudes toward women's participation, M.Sc. Thesis, Shiraz University. (in persian)
۸. Bashirieh, Hossein (2003), Political Sociology, Tehran: Publication. (in persian)
۹. Behnoud, Mahsan (2003), A Study of Factors Affecting the Type of Relationships between Spouses in the Family, Master Thesis in Sociology, Allameh Tabatabai University. (in persian)
۱۰. Baghi, Emad al-Din (1998), Student Movement, [Interview with Akhbar Newspaper], March 1, 1998.
۱۱. Bashirieh, Hussein (1398). Civil Society and Sustainable Development in Iran, Publication of Modern Sciences
۱۲. Pishgahi-Fard, Zahra and Zohdi-Goharpour, Mohammad (2010), "Study of the position and role of Middle Eastern women in participation", Quarterly Journal of Women in Society, No. 1: 25-44. (in persian)
۱۳. Panahi, Mohammad Hossein (2007), Sociology of Women's Participation, Tehran: Allameh Tabatabai University Press. (in persian)
۱۴. Tavassoli, Gholamabbas (1396), Sociological Theories, Tehran: Samat Publishing. (in persian)
۱۵. Torabi, Yousef (2005), Pathology of Development Management in Iran, Political Science Quarterly, No. 2, Fall and Winter 2005. (in persian)

- ۱۷Hafezian, Mohammad Hossein (2002), Strategies to increase women's participation in Iran and other Islamic countries, in the seminar on women's participation in Islamic countries, the Center for Scientific Research and Strategic Studies in the Middle East. (in persian)
- ۱۸Hafeznia, Mohammad Reza (2008), Introduction to Research Methodology in Humanities, Fourteenth Edition, Tehran: Samat Publications.
- ۱۹Hariri Akbari, Mohammad (1998), The Roots of Students' Political Activities, Tabriz: Bi Ja. (in persian)
- ۲۰Khalili, Mohsen (2005), "Pathology of Women's Participation in Contemporary Iranian Society", Women's Research Quarterly, No. 2, 165-186.
- ۲۱David E. Opter; Political Protest and Social Change, translated by Mohammad Reza Saeedabadi, Tehran, Research Institute for Strategic Studies, 2001, pp. 20-22.
- ۲۳Samadirad, Anwar (2006), "Mechanisms for promoting women's participation in political and economic dimensions", Social Welfare Quarterly, No. 21: 99-122.(in persian).
- ۳۴Abdollahi, Mohammad (2004), "Issues, Barriers and Strategies of Women's Civic Participation in Iran", Journal of Sociology, No. 18: 63-99. (in persian)
- ۳۵Abdollahi, Mohammad (2008), Women in the Public Sphere (Factors, Obstacles and Strategies for Civil Participation of Iranian Women), Tehran: Sociologists Publishing. (in persian)
- ۳۶Farihi, Davood (1998), The Concept of Participation, Political Science Quarterly, No. 1, Summer 77. (in persian)
- ۳۷Ghavam, Abdolali (1374), Critique of theories of modernization and sustainable development, Tehran: Shahid Beheshti University. (in persian)
- ۳۸Guillermoferro, Sovereignty, translated by Abbas Agahi, Office of Political and International Studies, First Edition, 1991.(in persian)
- ۳۹Lipst, Martin and Doz, Robert (1373), Political Sociology, translated by Mohammad Hossein Farjad, Tehran: Toos Publishing. (in persian)
- ۴۰Lahsaeizadeh, Abdolali and Bavar, Yousef (2002), "Students' Attitudes Towards Women's Participation", Allameh Tabatabai University Social Sciences Quarterly, No. 19: 137-150. (in persian)
- ۴۱Mohseni Tabrizi, Alireza (1990), A Study of the Areas of Participation, Rural, and its Relation to Agriculture Extension, Report of the Research Project Approved by the Deputy for Extension and Public Participation of the Ministry of Jihad Sazandegi.
- ۴۲Mohseni Tabrizi, Alireza (1999), A Study of Ways to Attract Public Participation in Sustainable Agricultural Development Programs in the Villages of Garmsar Region, Research Project of Danesh Institute of Social Studies and Research.(in persian)

- Abelson, Robert, & Ariel Levi; "Decision Making and Decision Theory", Gardner Lindzey & Elliot Aronson; *The Handbook of social Psychology*, 3rd edition, New York: Random House, 1985.
- Ahituv, Niv & Seev Neumann; *Principles of Information Systems for Management*; Dubuque, IA: WCB, 1990.
- Alex Mintz, *Integrating Cognitive and Rational Theories of Foreign Policy Decision Making*; New York, Palgrave, 2002.
- Alvani, M. (2005). Decision and the state lines. Tehran: Publication of books, reading and editing of Humanities University (left).
- Archer, Ernest R.; "How to make a business decision: An analysis of theory and practice"; *Management Review*, No. 69 (Feb. 1980), pp. 54-61.
- Ariely, Dan & Dan Zakay, "A timely account of the role of duration in decision making", *Acta Psychologica*; Vol. 108, Issue 2, Sep. 2001, Pp. 187-207.
- Awad, Elias m.; *Systems Analysis and Design*; New Delhi: Galgotia, 1994, Pp. 27-9.
- Baker, Edward & Fisher, Michael; "Computational Results for very Large Air Crew Scheduling Problems", *Omega*, No. 9, (1981), Pp. 613-8.
- Bazerman, M.H., & Moore, D. (2008). *Judgment in Managerial Decision Making* (7th ed.). Hoboken, NJ: John Wiley & Sons, Inc. Pp. 54-55
- Beach, L. R. & T. R. Mitchell. "Image Theory: A Behavioral Theory of Decision making in Organizations"; in B. M. Staw and L. L. Cummings (eds); *Research in Organizational Behavior*, Vol. 12, Greenwich, CT: JAI, 1990
- Beach, L. R.; "Image Theory; decision making in Individual and Organizational Contexts"; London: Wiley, 1990.
- Beach, Lee Roy, & Terrence Mitchell; " A Contingency Model for the Selection of Decision Strategies"; *Academy of Management Review*; No. 3 (April 1978), Pp. 439-40.
- Behling, O. & N. L. Eckel; "Making sense out of intuition"; *The Executive*; Feb. 1991, Pp. 46-54.
- Bhargava, J. N.; *Economics of Information Management*; Jampur: Arihant Publishing House, 1993, Pp.62-5.
- Blai, Boris; "Eight steps to successful problem solving"; *Supervisory Management*, Jan. 1986, Pp. 7-9.
- Blustein, L; Phillips, D. (1990). "Relation between ego identity statuses and decision-making styles". *Journal of Counseling Psychology*, Vol 37(2), 160-168.
- Brumfield, Elizabeth B., & John w. Fox (eds); *Factional Competition and Political Development in the New World*; New York: Cambridge University Press, 1993.
- Burns, M. (2008). "The role of ethics in decision making by deans and division chairs of community colleges": *University of Gonzaga. Business*; Oct. 1986, Pp. 209-24.
- Calvert, Randall; "Political Decision Making with Costly and Imperfect Information"; in P. E. Johnson; *Formal Theories of Politics: Mathematical Modelling in Political Science*; New York: Pergamon Press, 1989, Pp. 497-509.
- Cohen, M. D., J. G. March, & J. P. Olsen; "A Garbage Can Model of Organizational Choice", *Administrative Science Quarterly*, March 1972, pp. 1-27.
- Cohen, Michael D. and James G. March, *Leadership and Ambiguity: The American College President*, New York: McGraw-Hill, 1974.
- Cohen, Michael, James March & John Olsen, "A Garbage Can Model of Organizational Choice", *Administrative Science Quarterly*, No. 17, March 1972, Pp. 1-25.
- Cross, Robert L. & Susan E. Brodt; "How Assumptions of Consensus Undermine Decision Making"; *MIT Sloan management Review*; Vol. 42, No. 2 (Winter 2001), Pp. 86-94.
- Crossley, C. D., & Highhouse, S. (2005). "Relation of job search and choice process with subsequent satisfaction". *Journal of Economic Psychology*, 26(2), 255-268.

- Cyert & March, *Behavioral Theory of the Firm*, Pp. 120-2.
- Daft, R. L. (2001). "Essential of Organization Theory & Design, (7th ed)". South-Western: Thomson Learning.
- Daft, Richard L. & John C. Wiginton. "Language and Organization"; *Academy of Management Review*, 1979, pp. 120-22.
- Daft, Richard L.: *Organization Theory and Design*; New York: West Publishing Co. 2001, P. 415. 1989, P. 146.
- Davis, Gordon B. & Margrethe H. Olson; *Management Information Systems: Conceptual Foundations, Structure, and Development*; 2nd Ed. New York: McGraw-Hill, 1984, Pp. 35-6.
- Decisions; Boston: Harvard Business School Press, 1998. P. 56.
- Delshad Tehrani, M. (2007). Lord of the loan. Tehran: the sea.
- Dowd, Ann Reilly, "How Bush Decided", *Fortune*, Feb. 11, 1991, Pp. 45-6.
- Drucker, Peter; "How the effective executive does it?"; *Fortune*; 1987, Feb. Pp. 142-145.
- Druckman, Daniel; "Situational Levers of Position Change: Further Explorations"; *Annals, AAPSS*, Vol. 542, Pp. 61-80
- Eberlin, Richard Jay. (2005). "The relationship among leadership styles, decision making and organizational justice": *alliant interuational university*.
- Economic Focus: Mind Games"; *Economist*; Jan. 15, 2005; P. 75.142-145.
- Edwards, Cheris, John Ward, & Andy Bytheway; *The Essence of Information Systems*; New York: Prentice-Hall, 1991, P. 10.
- Eisenberg, Daniel J.; How Senior Managers Think"; *Harvard Business Review*; No. 62. Nov. 1984, Pp. 80-90.
- Etzioni, Amitai; "Humble Decision Making"; *Harvard Business Review on Decision Making*; Boston: Harvard Business School Publishing Corporation, 2001, Pp.45-58.
- Etzioni, Amitai; "Mixed Scanning: a Third Approach to Decision Making", *Public Administration Review*, Vol. 27, 1967, Pp. 385-392.
- Festinger, Leon; *A Theory of Cognitive Dissonance*; Evanston, IL: Row & Peterson, 1957.
- Forester, J.; "Bounded Rationality and the Politics of Muddling Through"; *Public administration Review*, Jan.-Feb. 1984, pp. 23-31.
- Garvin, D.A., & Roberto, M.A. (2001). What you don't know about making decision. *Harvard Business Review*, pp. 110-5
- Gould, F. G., G. D. Eppen, & C. P. Schmidt; *Introductory Management Science*; New York: Prentice Hall, 1987, Pp. 30-93.
- Hammond, J., R. Keeney, & H. Raiffa; "The Hidden Traps in Decision Making"; *Harvard Business Review on Decision Making*; Boston: Harvard Business School Press, 2001, Pp. 143-167.
- Harvey, O. J., D. E. Hunt & H. M. Schroder; *Conceptual Systems and Personality Organization*; New York: Wiley, 1961, P. 56
- Hermann, Margaret; "Explaining Foreign Policy Behavior Using the Personal Characteristics of Political Leaders", *International Studies Quarterly*, Vol. 24, No. 1, 1980, Pp. 7-46.
- Herzberg, Roberta (Principal), Wilson, Rick (Co-Principal), "Expensive Choices: The Effects of Decision making Costs on Political Outcomes," Sponsored by National Science Foundation, Federal, \$107,000.00. (March 1988- March 1990)), P. 345
- Hope, J. & Pate, L.; "A cognitive-expectancy analysis of compliance decisions"; in *Proceeding of the Association of Human Resources Management and Organizational Behavior*, Boston: 1985.
- Hoy, K. W. & Miskel, G. C. (2008). *Educational Administration: Theory, Research, and Practice* (8th Ed.). New York: McGraw Hill, Inc.
- Huber, George; *Managerial Decision Making*; Glenview IL: Scott, Foresman, 1975, P. 2.

- Issack, Thomas: "Intuition: An Ignored Dimension of Management", *Academy of Management Review*, No. 3 (1978). Pp. 917-22.
- Jackson, Peter; *Introduction to Expert Systems*; New York: Addison-Wesley, 1993.
- James, March; "Bounded Rationality, Ambiguity, and the Engineering of Choice", in *Bell Journal of Economics*, Vol. 9, 1978, Pp. 587-608.
- Janis, Irving L. & Leon Mann; *Decision Making: a Psychological Analysis of Conflict, Choice and Commitment*; New York: Free Press, 1977, P. 11.
- Kahneman D., & A. Tversky; "Prospect Theory: An Analysis of Decision under Risk"; *Econometrica*; 47 (March 1979), Pp. 263-91.
- Kahneman, D, & A. Tversky; "Choices, Values and Frames"; *American Psychologist*, No. 4, 1984, Pp. 341-50
- Karin, K. (2003). "Gender influences in decision-making processes in top management teams", *Management Decision*, Vol. 41 Iss: 10, pp.1024 – 1034.
- Kaucher, E. (2010). *Ethical decision making and effective leadership*: Alliant International University.
- Keeney, Ralph L.; *Smart Choices: A Practical Guide to Making Better Decisions*; Boston: Harvard Business School Press, 1998. P. 56.
- Kroenke, David; *Management Information Systems*; New York: McGraw-Hill, 1992.
- Larson, C. E. & F. M. J. LaFasto, *Teamwork*, Newbury Park, CA: Sage, 1989.
- Lindblom, Charles E. 1959. "The Science of 'Muddling Through'." *Public Administration Review* 19: 79- 88
- Lowler, Edward E., & Rhode, John Grant; *Information and Control in Organizations*; California: Goodyear Publishing co. 1976, Pp. 139-52.
- Lucas, Jr., Henry C; *The Analysis, Design, and Implementation of Information Systems*; 3rd Ed. New York: McGraw-Hill, 1985, P. 35.
- March, James G, *A Primer on Decision Making*; New York: Free Press, 1994,
- Mintz, A., N. Geva, S. B. Redd, and A. Carnes; "The Effect of Dynamic and Static Choice Sets on Decision Strategy: An Analysis Utilizing the Decision Board Platform"; *American Political Science Review*; 91 (September 1997).
- Mintz, Alex; "The Decision to Attack Iraq: a Noncompensatory Theory of Decision Making"; *Journal of Conflict Resolution*, No, 37 (December 1993), Pp. 595-618.
- Mintz, Alex; *Integrating Cognitive and Rational Theories of Foreign Policy Decision Making*; New York: Palgrave, 2002, P. 3.
- Miser, Hugh J.; "Operations Analysis in the Army Air Forces in the World War II: Some Reminiscences"; *Interface*; No. 23, Sep. 1993, Pp. 47-9.
- Mitchell, T. R. & L. R. Beach; "Do I Love Thee? Let me Count, Toward an Understanding of Intuitive and Automatic Decision Making ", *Organizational Behavior and Human Decision Process*; Oct. 1990, pp. 1-20
- Moghaddam, A. Tehrani, M. (2008). "Investigating the relationship between decision making styles of public managers in the final state organizations".
- Morrow, James D.; "Rational Choice Approach to International Conflict"; in Mintz, Alex & Geva Nehemia 9eds); *Decision making on War and Peace*; London: Lynne Rienner, 1997, Pp. 17-8.
- Murdick, Robert G., Joel E. Ross & James R. Clggett; *Information Systems for Modern Management*; New Delhi: Prentice-Hall Of India, 1990Pp. 164-210
- Myrkmaly, M. (2007). *Leadership and management training*. Tehran: Publication Yastoroon.
- Newell, Allen, & Herbert A. Simon; *Human Problem Solving*; New Jersey: Prentice-Hall, 1972, Pp.34-5,

- Oliveira, A. (2007), "A Discussion Of Rational And Psychological Decision Making Theories And Models: The Search For a Cultural– Ethical Decision Making Model", *Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies*, Vol 12, No 2, pp 12-13.
- O'Reilly, Charles A., III; "The Use of Information in Organization Decision Making"; *Research in Organizational Behavior*; Vol. 5, 1983, P. 108.
- Pate, Larry; "Understanding and Diagnosing the Causes of Human Behavior"; in *Management Decision*; 1987, Vol. 25, No. 4.
- Payne, John; James Bettman & Eric Johnson; *The Adaptive Decision Maker*; Cambridge: Cambridge University Press. 1993.
- Pearce, II, J., and R. Robinson, Jr. 1985. *Strategic Management*. Homewood, Illinois: Irwin.
- Pfeffer, J; *Organizational Design*; Arlington Heights, IL: AHM, 1978.
- Pfeffer, P.; "Understanding Power in Organizations"; *California Management Review*, Winter 1992, P. 37.
- Pinfield, Lawrence t., "A Field Evaluation of Perspectives on Organizational Decision Making"; *Administrative Science Quarterly*, Vol. 31, 1986, Pp. 365-88.
- Pounds, William F.; "The Process of Problem Finding"; *Sloan Management Review*, 1:2, Fall 1969, Pp. 1-19.
- Quinn, J. B. *Strategies for Change: Logical Incrementalism*; New York: Irwin, 1980, p. 134.
- ^--; "Economic Focus: Mind Games"; *Economist*; Jan. 15, 2005; P. 75.
- Rajagopalan, Nandini, Abdul Rasheed, and Deepak Datta; "Strategic Decision Process: Critical Review and Future Decisions"; *Journal of Management*; No. 19 (1993). PP. 349-84.
- Render, Barry & Ralph Stair, Jr.; *Introduction to Management Science*; Boston: Allyn and Bacon, 1992, Pp. 596-7.
- Rezazadeh, Samaneh (2010). "The relationship between intelligence and moral decision-making styles of public managers, Ferdowsi University of Mashhad University of Medical Sciences in 1389." MS Thesis. Ferdowsi University of Mashhad. School of Psychology and Educational Sciences.
- Richmond, S. M., B. L. Bissel, & L. R. Beach. "Image Theory's Compatibility Test and Evaluations of the Status Que", *Organizational Behavior*